

بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین با سبک های تفکر و سبک های حل مسئله در دانش آموزان ابتدایی شهرستان خاش

خدانظر رحمت زهی^۱، عبدالحکیم خزایی^۲، جواد جوادیان^۳

^۱ مدرس دانشگاه ازاد اسلامی واحد خاش

^۲ مدرس دانشگاه فرهنگیان واحد زاهدان

^۳ مدرس دانشگاه ازاد اسلامی واحد خاش

سرگروه گردآوردندگان:

قدسیه ازبک پور، صدیقه مباحثی، مرضیه مرغزاری، لیلی امام دادی، حوا علمی

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین با سبک های تفکر و سبک های حل مسئله در دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهرستان خاش می باشد. به این منظور از بین دانش آموزان تعداد ۳۴۸ نفر و همچنین والدین آنها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده و در دسترس انتخاب گردیدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسش نامه شیوه های فرزندپروری بامریند، پرسش نامه سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر و نیز پرسش نامه سبک های حل مسئله کسیدی و لانگ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین شیوه های فرزند پروری والدین با سبک های تفکر دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد و بین سبک های تفکر با شیوه های حل مسئله دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین شیوه های فرزند پروری والدین با سبک های حل مسئله دانش آموزان نیز رابطه معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: شیوه های فرزند پروری، سبک های تفکر، سبک های حل مسئله، دانش آموزان ابتدایی

مقدمه

زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. تقریباً همه افراد در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می‌شوند و استرس و تعارضی را که به دنبال می‌آید، می‌تواند به مشکلات رفتاری-عاطفی و یادگیری در آن‌ها بینجامد. اکثر مشکلات رفتاری دانش‌آموزان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین می‌باشد. به عبارت دیگر وجود مشکلات رفتاری کودک به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی و شیوه‌های فرزند پروری نادرست والدین و تعاملات معیوب آن‌ها با فرزندان ارتباط دارد (هیبتی، ۱۳۸۱).

منظور از شیوه‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند (حسینیان، پورشهریاری و کلانتری، ۱۳۸۷). این پژوهش بر آن است که ارتباط شیوه‌های فرزند پروری والدین را با سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله بررسی نماید. پژوهش در مورد سبک‌های تفکر از مطالعات مربوط به ابعاد روانشناختی، اجتماعی و فیزیولوژیک فرآیند آموزش سرچشمه گرفته است. شناخت و درک مدل‌های مرتبط با سبک‌های تفکر یکی از پیشرفت‌های اساسی روانشناسی در قرن بیستم است. شناخت سبک‌های تفکر و متغیرهای مربوط به آن در آموزش و پرورش امری ضروری است زیرا بسیاری از تفاوت‌ها در عملکرد افراد را به جای نسبت دادن به توانایی‌ها می‌توان به سبک‌های تفکر نسبت داد. به گونه‌ای که اگر معلمان از سبک‌های تفکر دانش‌آموزان آگاهی داشته باشند، با طراحی و جهت‌دهی مناسب فعالیت‌های آموزشی می‌توانند به نتایج موثری برسند (ژانک، ۲۰۰۳؛ به نقل از جهانشاهی و ابراهیمی قوم، ۱۳۸۶).

متغیر دیگر مورد بحث در پژوهش حاضر سبک‌های حل مسئله است. به این معنی که افراد در موقعیت‌های تنش‌زا از مهارت‌های حل مسئله متفاوتی استفاده می‌کنند و کارآمد و ناکارآمد بودن این راهکارها نقش اساسی در بهزیستی جسمی و روانشناختی آن‌ها ایفا می‌کند (نوری، ۱۳۷۷). از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری والدین با سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله در دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهرستان خاش است.

بیان مسئله

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سالها نظرمتخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط را فراهم می‌کند. کودک در خانواده نگرش‌های اولیه درباره‌ی جهان را فرا می‌گیرد و از لحاظ ذهنی و جسمی رشد می‌یابد (هیبتی، ۱۳۸۱).

هر خانواده شیوه‌ی خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خود به کار می‌گیرد که این شیوه سبک‌های فرزند پروری نامیده می‌شود (بخشی، ۱۳۸۷). سبک‌های فرزند پروری ترکیبی از رفتارهای مختلف والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزند پروری بادوامی را پدید می‌آورند (زارعان و بخشی پور رودسری، ۱۳۸۶). در سبک‌های فرزند پروری سه ویژگی آشکار شده است که روش موثر را از روش نه چندان موثر فرزند پروری جدا می‌سازد. این سه ویژگی عبارتند از: پذیرش یا روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن. که از تعامل این سه ویژگی سه سبک فرزند پروری مشخص می‌شود: مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه. والدین دارای سبک مقتدرانه، از نظر پذیرش و روابط نزدیک رابطه‌ای معقولانه برقرار می‌کنند و همچنین از نظر میزان استقلال دادن به فرزند خود نیز، معقول و درست عمل می‌کنند. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین است و از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. در حالی که والدین با سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه روشی مهرورز و پذیرا نشان می‌دهند و متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند، در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیاژ، ۲۰۰۵). بخشی (۱۳۸۷) عنوان نمود که سبک‌های فرزند پروری والدین تأثیرات بسیاری بر فرزندان دارد و از جمله اینکه بر شکل‌گیری تفکر و نوع سبک تفکر فرزندان نیز بی‌تأثیر نیست.

استرنبرگ (۲۰۰۲) عنوان نمود که سبک مترادف با توانایی نیست، بلکه شیوه‌ی ترجیحی تفکر یا به بیان دیگر نحوه‌ی استفاده از توانایی‌های بالقوه است. استرنبرگ بر اساس نظریه‌ی خود مدیریتی ذهنی خود بر این باور است که ما یک سبک خاص نداریم، بلکه دارای

¹ Zhank

² Dias

³ Sternberg

نیمرخ از سبک‌ها هستیم و افراد ممکن است از توانایی مشابه اما سبک‌های متفاوت برخوردار باشند. این نظریه ۱۲ سبک تفکر را توصیف می‌کند که در ۵ بعد از یکدیگر متمایز می‌شوند: کارکردها، شکل‌ها، سطوح، حوزه‌ها و گرایش‌ها. در نظریه خودمدیریتی ذهنی، سبک‌های تفکر بر اساس کارکرد به سبک‌های قانونی، اجرایی و قضایی تقسیم می‌شوند (ژانگ، ۲۰۰۱). با توجه به اینکه سبک‌های تفکر در افراد متفاوت است، بنابراین شناختن مفهوم سبک‌های تفکر از اهمیتی ویژه برخوردار است و امروزه رشد و ارزشیابی سبک‌های تفکر، یکی از کارکرد‌های اساسی تعلیم و تربیت است (استرنبرگ، ۲۰۰۱). علاوه بر اینکه سبک‌های فرزند پروری والدین بر سبک‌های تفکر فرزندان دارای تأثیراتی است، به فرزندان می‌آموزد که در مواجهه با شرایط و مسائل مختلف از راهکارهای مختلف استفاده کنند و سبک‌های حل مسئله منحصر به فرد خود را داشته باشند (هییتی، ۱۳۸۱). حل مسئله فرآیندی شناختی، رفتاری و مبتکرانه است که فرد به کمک آن راهبرد‌های سازگارانه برای مشکلات روزمره شناسایی و ابداع می‌کند (نزو، ۱۹۸۷؛ به نقل از کسیدی و لانگ، ۱۹۹۶).

برت^۴ (۲۰۰۵) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که نوع روابط نقش‌های مختلف در خانواده، منجر به بروز رفتارهای متفاوت از سوی فرزندان در عرصه‌ی اجتماعی خواهد شد و از جمله اینکه تفکر کودکان و نوع سبک‌های تفکر آنها را شکل می‌دهد و نیز بیان نمود که بین سبک‌های فرزند پروری والدین با سبک‌های تفکر فرزندان آنها ارتباط وجود دارد. در همین راستا هرز و گون^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی عنوان نمودند که بدون تردید کیفیت ارتباط والدین با فرزندان در شکل‌گیری شخصیت و رشد اجتماعی، عاطفی و عقلانی و نوع برخورد با مشکلات و نوع حل مسئله، نقش و اهمیت فراوانی دارد و به رابطه بین سبک‌های فرزند پروری والدین با سبک‌های حل مسئله فرزندان اشاره نمودند. از این رو هدف پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به سئوالاتی نظیر این سوال است که آیا بین سبک‌های فرزند پروری والدین با سبک‌های تفکر و سبک‌های حل مسئله دانش‌آموزان مقطع ابتدایی رابطه وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

نظام تربیتی خانواده و یا به تعبیر دیگر روش‌های فرزند پروری یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت کودک است (جهانشاهی و قوام، ۱۳۸۶). مطالعات بسیاری از جمله مطالعات هییتی^۶ (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که فرزند پروری حساس و پاسخگو باعث رشد مهارت‌های خودگردان کودکان می‌شود و از طرفی ناتوانی والدین در هماهنگ کردن رفتارهایشان با نیازهای کودکان باعث بروز رفتارهای باز داری زدایی و کنترل نشده در بعضی از کودکان می‌شود.

بنابراین تردیدی نیست که خانواده اثر عمیق و پایدار در پی‌ریزی رفتار فردی کودک، برانگیختن روح زندگی و آرامش روانی او دارد. موضوع تأثیر شیوه‌های تربیتی و وقایع دوران کودکی و نقش اساسی آن در زندگی آینده فرد جایگاه مهمی دارد. بنابراین تأثیرات والدین و نوع ارتباطی که با فرزندان خود دارند و به بیان دقیق‌تر نوع سبک‌ها و شیوه‌های فرزند پروری آنها در آینده فرزندان تأثیر گذار است (حسینیان و کلاتری، ۱۳۸۷). پس مطالعه در خصوص شیوه‌های فرزند پروری والدین، کاری خالی از لطف نیست.

نتایج پاره‌ای از پژوهش‌ها از جمله پژوهش بورشن^۷ (۲۰۰۳) نشان داده است که یکی از شاخص‌های مهم سلامت روانی، توانایی حل مسئله و تصمیم‌گیری است. وی خاطر نشان کرد که تشخیص به موقع موقعیت مسئله مدار یکی از معیارهایی است که به واسطه آن می‌توان سطح تندرستی افراد را برآورد کرد و همچنین با آموزش سبک‌های حل مسئله کارآمد می‌توان تا حدی بسیاری به افراد در شرایط مختلف و به خصوص شرایط استرس‌زا سلاحی برای موفقیت داد.

در مورد اهمیت مطالعه سبک‌های تفکر می‌توان عنوان نمود که طبق مطالعات احدی، خویینی، کریمی، دلاور و زری باف^۸ (۱۳۹۰) اگر ما به پیشرفت افراد امیدواریم، باید سبک‌های تفکر آنها را مد نظر قرار دهیم و نیز همخوانی بین سبک‌های تفکر و توانایی‌ها یک نیروی افزایشی ایجاد می‌کند که بسیار افزون‌تر از مجموع اجزای آن است. پس افرادی که تصور می‌شود از انجام کاری ناتوانند ممکن است به خاطر فقدان توانایی نباشد بلکه سبک‌های تفکر، ناهمخوانی دارد. بنابراین باید سبک‌های تفکر افراد را مد نظر قرار داد چرا که سبک‌های تفکر در افراد از اهمیتی ویژه برخوردار است. ولی متأسفانه به دلیل ناشناخته ماندن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چه بسا که امروزه در دیدگاه‌های تعلیم و تربیت سبک‌های تفکر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، زیرا رشد و پرورش و ارزیابی تفکر یکی از کارکردهای اساسی تعلیم و تربیت است. شکست‌ها و موفقیت‌هایی که به توانایی‌ها نسبت داده می‌شود، اغلب ناشی از سبک‌های تفکر است. معلم باید بداند،

⁴ Zhang

⁵ Nezu

⁶ Cassidy & Long

⁷ Burt

⁸ Hers, & Gone

⁹ Burtion

عملکرد ضعیف دانش آموز همیشه به خاطر عدم توانایی نیست، بلکه گاهی بخاطر عدم تناسب بین سبک های تفکر دانش آموز و انتظاراتی است که معلم از او دارد. استرنبرگ (۱۹۹۷) معتقد است در جوامع مختلف سبک های تفکر ارتباط متفاوتی با پیشرفت تحصیلی دارند. برای مثال در جوامع غربی سبک های آزادمنشانه و قانون گذارانه، پیش بینی کننده مهمتری برای سبک های تفکر می باشند و شناخت و به کارگیری سبک های تفکر و عوامل مرتبط با آن در دنیای آموزشی و حرفه ای امری لازم و ضروری است.

بنابراین با توجه به اینکه قشر وسیعی از جمعیت کشور را جوانان به ویژه دانش آموزان تشکیل می دهد و از سوی دیگر پژوهش و تحقیقات اندکی وجود دارد که در آن ترکیبی از این سه عامل (شیوه های فرزند پروری والدین، سبک های تفکر و سبک های حل مسئله) بررسی شده باشد و همچنین با توجه به اهمیت متغیرهای مورد بحث، ضرورت انجام این پژوهش احساس می شود و از طرفی باید بیان نمود که نتایج این پژوهش می تواند برای دانش آموزان که مدبران آینده خانواده محسوب می شوند، مؤثر باشد. پرسش نامه شیوه های فرزند پروری

جهت سنجش شیوه های فرزند پروری، پرسش نامه شیوه های فرزندپروری بامریند (۱۹۶۷) استفاده شد. که این پرسش نامه را بامریند (۱۹۶۷) پس از بررسی های طولانی ساخته است. این پرسش نامه شامل ۳۰ جمله است، که سبک های فرزند پروری سهل گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه را می سنجد. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسش نامه را با استفاده از روش باز آزمایی به این شرح گزارش داد: ۰/۸۱ برای شیوه ی سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه ی مستبدانه، ۰/۷۸ برای شیوه ی مقتدرانه در بین مادران و ۰/۷۷ برای شیوه ی سهل گیرانه، ۰/۸۵ برای شیوه ی مستبدانه و ۰/۹۲ برای شیوه ی مقتدرانه در بین پدران. شیوه نمره گذاری پرسش نامه بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه ای می باشد.

پرسش نامه سبک های تفکر

برای بررسی سبک های تفکر از پرسش نامه ی سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۱) استفاده شد. این پرسش نامه که در سال ۱۹۹۱ طراحی شده است و شامل ۱۰۴ سوال است و ۱۳ خرده آزمون است که سبک تفکر را اندازه می گیرد. استرنبرگ (۱۹۹۱) ضریب اعتباری درونی مقیاس سبک تفکر را بین ۰/۵۷ تا ۰/۸۸ اعلام کرده است و در پژوهش سروقد، رضایی و معصومی (۱۳۸۹) برای محاسبه ی ضریب پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریبی برابر ۰/۸۸ بدست آمد. روایی این پرسش نامه به روش عوامل و روایی همگرا و واگرا و پایایی به روش باز آزمایی و آلفای کرونباخ، توسط سازندگان آزمون در گروههای مختلف (عادی و در خطر) اجرا گردیده و اعتبار بالای ۰/۹۴ و پایایی دارای ۰/۹۳ را گزارش کردند. شیوه نمره گذاری بر اساس طیف لیکرت ۷ گزینه ای است.

پرسش نامه سبک های حل مسئله

برای این منظور (سنجیدن سبک های حل مسئله) از پرسش نامه ی سبک های حل مسئله کسیدی و لانگ (۱۹۹۶) استفاده می شود که دارای ۲۴ سوال است و ۶ عامل را می سنجد. در پژوهش محمدی (۱۳۸۹) ضریب آلفای این پرسش نامه بالاتر از ۰/۵۰ بود و برای تمام مقیاس ها این نتیجه به دست آمد. و روایی و پایایی آن ۰/۹۵ محاسبه شد. شیوه نمره گذاری بر اساس طیف سه گزینه ای بله، خیر و علامت سؤال (نمی دانم) است.

به منظور اجرای پژوهش به هماهنگی با جامعه ی مورد نظر که در این پژوهش مدارس و دانش آموزان مقطع ابتدایی دختر و والدین آنها هستند، پرداخته و پژوهشگر پرسش نامه های سبک های تفکر و سبک های حل مسئله را به صورت انفرادی و بدون ذکر نام آزمودنی و با اطمینان از آمادگی آزمودنی جهت همکاری و ضمن ارائه توضیحاتی در مورد نحوه ی پاسخگویی به پرسش نامه ها به آزمودنی داده است و از آنها خواسته که با آرامش و دقت در مدت زمان مشخص شده به پرسش نامه ها پاسخ دهند و سپس پرسش نامه شیوه های فرزند پروری را در اختیار والدین آنها قرار داده و از همکاری آنها تشکر نموده است.

یافته های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

جدول (۱) فراوانی و درصد سبک های فرزندپروری والدین

سبکهای فرزندپروری	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
مقتدرانه	۱۱۱	۳۱/۹	۳۱/۹
مستبدانه	۱۴۴	۴۱/۴	۷۳/۳

۱۰۰	۲۶/۷	۹۳	سهل گیرانه
	۱۰۰	۳۴۸	مجموع

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود فراوانی سبک مستبدانه با ۱۴۴ نفر (۴۱/۴ درصد) بیشتر از سایر سبک های فرزندپروری است.

جدول ۲) میانگین و انحراف معیار نمره سبک های فرزندپروری

سبک مقتدرانه	سبک مستبدانه	سبک سهل گیر
میانگین نمرات	۴۳/۲	۴۲/۵۷
انحراف معیار	۳/۸	۳/۵

همانطور که جدول فوق نشان می دهد، میانگین نمرات سبک فرزند پروری مقتدرانه، ۴۳/۲، در سبک مستبدانه ۴۱/۹۵ و در سبک سهل گیرانه ۴۲/۵۷ به دست آمد. بنابراین والدین بیشتر دارای سبک فرزند پروری مقتدرانه بودند.

جدول ۳) میانگین و انحراف معیار نمره سبک های تفکر

اجرائی	قانونی	قضایی	آزاد اندیش	محافظه کار
میانگین	۲۵/۶۵	۲۵/۵	۲۵/۳	۲۵/۸۹
انحراف معیار	۴/۱۳	۴/۱۵	۳/۸۴	۴/۴۵

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، میانگین سبک های اجرائی، قانونی، قضایی، آزاد اندیش و محافظه کار به ترتیب ۲۵/۶۵، ۲۵/۵، ۲۵/۸، ۲۵/۳ و ۲۵/۸۹ بود و همچنین نمره انحراف معیار به دست آمده برای سبک های تفکر ذکر شده، به ترتیب، ۴/۱۳، ۴/۱۵، ۳/۸۴، ۴/۱ و ۴/۴۵ به دست آمد.

جدول ۴) میانگین و انحراف معیار نمره سبک های حل مسئله

سازنده	غیر سازنده		سازنده			
	درماندگی	اجتناب	مهارگری	گرایش	خلاقیت	اعتماد
میانگین	۵/۴۸	۵/۶۸	۵/۴۸۲	۵/۰۳	۵/۴۴	۵/۵۱
انحراف معیار	۱/۳۸	۱/۶۴	۱/۳۸	۱/۵	۱/۵۲	۱/۶۹

همانطور که در جدول بالا مشاهده می گردد، میانگین سبک های حل مسئله درماندگی، اجتناب، مهارگری، گرایش، خلاقیت، اعتماد، غیر سازنده و سازنده به ترتیب ۵/۴۸، ۵/۶۸، ۵/۴۸۲، ۵/۰۳، ۵/۴۴، ۵/۵۱، ۱۶/۶۵ و ۱۶ به دست آمد. همچنین نمرات انحراف معیار سبک های نام برده به ترتیب ۱/۳۸، ۱/۶۴، ۱/۳۸، ۱/۵، ۱/۵۲، ۱/۶۹، ۴/۳۲ و ۴/۴۸ به دست آمد.

ب) یافته های استنباطی

فرضیه اول) بین شیوه های فرزند پروری والدین با سبک های تفکر دانش آموزان رابطه وجود دارد. به منظور بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری با سبک های تفکر با توجه به نرمال بودن داده ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می گردد. لازم به بیان است که برای محاسبه و به دست آوردن نرمال بودن داده ها، باید از آزمون کولمو گروف- اسمیرنوف استفاده کرد. اما با توجه به اینکه حجم نمونه بالای ۳۰۰ نفر است بنا به قانون آمار استنباطی، برای حجم نمونه بالای ۳۰۰ نفر این آزمون ارائه نمی گردد و داده ها واجد نرمال بودن شناخته خواهند شد. نتایج به دست آمده در جدول زیر آمده است:

جدول ۵) ضریب همبستگی پیرسون بین سبک های تفکر و سبک های فرزندپروری

سبک های تفکر						
محافظة کار	آزاد اندیش	قضایی	قانونی	اجرایی		
**۰/۵۲۰	**۰/۵۷۶	**۰/۴۸۱	**۰/۵۶۴	**۰/۵۵۸	مقتدرانه	سبک های
**۰/۵۲۵	*۰/۱۷۹	*۰/۲۱۷	**۰/۵۲۹	*۰/۱۵۷	مستبدانه	فرزندپروری
**۰/۳۶۱	*-۰/۱۳۳	-۰/۰۹۱	**۰/۳۳۱	*-۰/۱۱۶	سهل گیرانه	

بحث و نتیجه گیری

در تفسیر نتایج می توان بیان نمود که مردم بعضی اوقات سعی می کنند تا مشکلاتی را حل کنند و راه حل هایی را به کار گیرند که خارج از توانایی و نیروی آن هاست. چنین راه حل هایی بی تردید محکوم به شکست هستند. رایج ترین اشتباه این است که مردم فراموش می کنند که آن ها رفتار خودشان را می توانند کنترل کنند. یک فرد معمولاً نمی تواند دیگران را وادار سازد تا به روش معینی رفتار کنند، بیشترین کاری که معمولاً می توان انجام داد، این است که تلاش شود کسی تحت تاثیر قرار گیرد و از طریق خواهش، ارائه اطلاعات یا معامله به روش خاصی رفتار کند. اگر فرد مورد نظر پاسخ به این تاثیر بدهد، با کمک اضافی به شکل بازخورد می توان راهنمایی و حمایت را به او داد و رسیدن به یک راه حل موثر در شرایط حل مسئله به فاکتورهای زیادی بستگی دارد که یکی از این فاکتورها شیوه هایی است که والدین افراد در کودکی با آنها ارتباط برقرار کرده اند و به عبارتی شیوه های فرزند پروری والدین آنهاست (دینر، ۲۰۰۵).

زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. خانواده اولین و مهم ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. تقریباً همه کودکان در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می شوند و استرس و تعارضی را که به دنبال می آید، می تواند به مشکلات رفتاری-عاطفی و یادگیری در آنها بینجامد. اکثر مشکلات رفتاری کودکان و ناتوانی آنها در بزرگسالی برای به کارگیری سبک های حل مسئله سازنده، منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به ویژه والدین می باشد. به عبارت دیگر وجود مشکلات رفتاری کودک به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آنها با فرزندان ارتباط دارد (آرموگام، ۲۰۱۳).

¹ Diener 0

¹ Armogam 1

منابع و مراجع

- [۱] احدی، جمال؛ خویینی، زهرا؛ کریمی، علی اکبر؛ دلاور، سعید و زری یاف، احمد. (۱۳۹۰). مقایسه انواع سبک های تفکر با میزان یادگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان دانشجویان دختر و پسر مدارس فنی حرفه ای شهرستان تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران.
- [۲] اسماعیل پورحسامی، فاطمه (۱۳۸۸). روابط والدین و فرزند و نقش آن در شکل گیری هویت، مجله تربیت، ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش، انتشارات معاونت آموزشی، شماره ۸.
- [۳] بخشی، احمد. (۱۳۸۷). رابطه باورهای خودکارآمدی و سبک های حل مسئله در دانشجویان، مجله روانشناسی سال دهم، شماره ۳۲، ص ۳۵-۵۶.
- [۴] حسینیان، اکبر، پورشهیری، رضا و کلانتری، قاسم. (۱۳۸۷). سبک های فرزند پروری، چاپ دوم، تهران: نشر و پژوهش دادار.
- [۵] رضایی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه های فرزند پروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش آموزان مدارس راهنمایی منطقه ۶ تهران در سال تحصیلی ۷۶-۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- [۶] رضایی، خدادخواه. (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی سبک های تفکر و عملکرد مدیران مدارس متوسطه. شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز.
- [۷] زارعان، معین و بخشی پور رودسری، حسین. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک های فرزند پروری با سبک های حل مسئله در دانش آموزان مقطع متوسطه، مجله روانشناسی، شماره ۳۴.
- [۸] سروقد، اکرم، رضایی، عبدالله و معصومی، احمد. (۱۳۸۹). پیش بینی خلاقیت از سبک های تفکر در دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران.
- [۹] شریفی درآمدی، پرویز. (۱۳۸۴). تاثیر آموزش سبک حل مسئله به میزان عزت نفس دانش آموزان دارای مشکلات رفتاری. فصل نامه ی نوآوری های آموزشی. ۱۴ و ۳۸، ۴-۶۲.
- [۱۰] قلنتاش، عباس، صالحی، مسلم و خادم کشاورز، مریم. (۱۳۸۸). بررسی سبک های حل مسئله و ترس از ابراز وجود در نوجوانان مبتلا به اختلال رفتار هنجاری. فصل نامه روانشناسان ایرانی. ۳ و ۴۴، ۱-۶۸.
- [۱۱] لیل آبادی، لیدا. (۱۳۹۲). بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و شیوه های فرزند پروری مادران عادی و مبتلا به اختلال سلوکی در مدارس ابتدائی، فصلنامه رهیافتی نو در روانشناسی، سال دوم، شماره ۳. ۲۶-۱۵.
- [۱۲] محمدی، فریده. (۱۳۷۷). بررسی شیوه حل مسئله در افراد افسرده و مقایسه آن با افراد عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۱۳] هیبتی، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی رابطه بین سبک های فرزند پروری و رویکردهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. تازه های علوم شناختی، سال ۸، شماره ۲، ۴۴-۵۲.
- [14] Baumrind, D. (2002). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R.M.Lerner, & A. C.2:1-26.
- [15] Blanksteing, K.R. Flett, G.L. & Watson, M.S. (2013). Coping & academic problem solving ability in test anxiety. Journal of clinical psychology. Vol, 48, 37_43
- [16] Cassidy, T. & Long, G. (2009). problem solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial. British Journal of clinical psychology. 35, 256_277.
- [17] Dias, L. (2005). Thinking styles and academic achievement among Hong Kong students. Educational research Gornal, 13(1), 4-62.
- [18] Sternberg, R. J. (2002). Mental self Government: A Theory of Intellectual styles and their development, human development, 31, 197 – 224. 21-